



۶۲۶ ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۰۳ - سال نهم - شماره ۲۸۸۳۲

در باب رابطه اخلاق و آزادی

دغدغه اصلی

آیا میلیونرها امانتدار فقرا هستند؟





باشگاه پرنده آبی

اخلاق بردگان

امیرحسین دوباره جواب داد: «بله، ولی دکترها پولدارترین قشر جامعه هستند. شاید کسی که فقیر است به هر چیزی چنگ بیندازد ولی این که فوق‌متخصص فلان، از یک کارگر برای عمل صد میلیون تومانی اش پول زیرمیزی می‌گیرد دیگر توجیه ندارد.»

سعید رائف معتقد است: «مقایسه شاخصه‌های اقتصاد، اخلاق و فساد در هر کشوری می‌تواند به بهترین شکل، کارآمدی حکمرانی را نشان بدهد. هر تحلیل دیگری، جز سفسطه‌گری و اتلاف وقت، عایدی دیگری ندارد.»

روا از تجربه خودش نوشته: «به اصل خودم برگشتم، کار زیاد، فشار اقتصادی و مصائب زندگی باعث شده که به هیچ چیز غیر از روزمره فکر نکنم، چه برسد به سیاست و فلسفه و اقتصاد... هیچ فضیلتی در کار مزدی نیست، جز خرفت شدن و مبتلا شدن به اخلاق بردگان.»

فریبرز کلانتری، روزنامه‌نگار، در یادداشتی با عنوان «فساد در سایه بحران‌ها» نوشته: «در همه این سال‌ها دغدغه‌های بسیاری داشته‌ام؛ از جنگ و بحران‌های منطقه‌ای گرفته تا مشکلات روزمره مردم. اما از طریق تجربه‌هایم به این نکته پی بردم که در پس هر بحران، در میان همه هیاهوها و سردرگمی‌های عمومی، فساد اقتصادی آرام و بی‌صداریشه می‌دواند. مفسدان در این شرایط، فرصت را غنیمت می‌شمارند تا به راحتی و بدون ترس از نظارت، ثروت‌های ملی را به بغما ببرند. آن‌ها از شرایط بحرانی استفاده می‌کنند؛ وقتی نگاه‌ها به جاهای دیگری معطوف است، دست به فسادهایی می‌زنند که در زمان عادی، حتی جرأت فکر کردن به آن را هم ندارند. دوستان، در این زمان‌های پرتنش، نباید فراموش کنیم که مقابله با فساد یکی از بزرگ‌ترین وظایف ماست. مبارزه با این آفت، تنها مربوط به افراد مسئول و نهادهای نظارتی نیست، بلکه وظیفه ماست که چشم‌هایمان را باز نگه داریم و اجازه ندهیم ثروت‌های این ملت به دست مفسدان از بین برود.»

سیاسگزار در واکنش به این مطلب گفته: «دقیقا درست است، اقتصاد، مادر اجتماع و سیاست و اخلاق است. فسادهای رایج در جامعه، نتیجه ثروتمندان ثروت‌یافته از فساد است که راهی به‌جز توسعه فساد برای حفظ یا افزایش ثروت خود ندارند. همه مشکلات در تمام عرصه‌ها ریشه در اقتصاد دارند و اگر اقتصاد درست شود همه به تبع درست می‌شوند.»

برخی کاربران از تجربه ارتباط اخلاق و اقتصاد در زندگی شخصی خودشان صحبت کرده‌اند. **صادق حسینی** گفته: «اگر بنزین سوپر با قیمت آزاد عرضه شود دیگر بنزین سه هزار تومانی نخواهم زد، نه به دلیل کیفیت، بلکه به این دلیل که واقعا به ما نباید یارانه بدهند. این ظلم است، بنزین ارزانی که می‌زنیم سهم دختر فروشی است که سر چهارراه گدایی می‌کند. سال‌هاست که بنزین ۱۵۰۰ تومانی هم نمی‌زنم و می‌گذارم بسوزد.»

علی خسروانی، نایب رئیس اتحادیه صنف فروشندگان خودرو هم نوشته: «در صورت توزیع بنزین سوپر وارداتی، قطعا بنزین سوپر استفاده خواهد کرد، هم برای عمل به آنچه عقیده دارم درست است، هم برای عدم تضییع حق کسانی که ماشین ندارند ولی هزینه بنزین مفت زدن ما را می‌دهند، هم برای جلوگیری از هزینه‌های تعمیر و خرابی ناشی از بنزین بی‌کیفیت داخلی، هم برای هوای پاک.»

حسن گودرزی اما گفته: «اقتصاد اخلاقی! قوانین اقتصاد را بر مبانی اخلاقی بنا نمی‌کنند. نفت و گاز و معادن و... انفال و متعلق به مردم است، باید به بالاترین قیمت فروخته و بین مردم تقسیم شود. بقیه راه‌ها باز گذاشتن راه قاچاق و رانت است. اگر اخلاق مدار هستید بدانید دوترخی کالا یعنی فساد.»

رضا غلامی معتقد است: «اگر اخلاق اقتصادی اسلامی و به‌طور خاص کار صادقانه، صداقت در فروش، وفای به عهد، انصاف، عدم کم‌فروشی و... در بازار عملیاتی شود، بخش عمده ناکارایی‌های بازارها و به تبع آن هزینه‌های نظارتی از میان خواهد رفت. این راز شکوفایی اقتصاد صدر اسلام و هنر رسول خدا (ص) بود نه مکانیزم بازار.»

اخلاق، گمشده امروز جامعه ماست و نبود آن در بسیاری از حوزه‌ها به چشم می‌آید اما بی‌اخلاقی در حوزه اقتصاد، بیش از سایر حوزه‌ها زندگی مردم را تحت تأثیر عواقب منفی خود قرار داده است.

علی هدایتی گفته: «تجربه‌های تاریخی بسیاری برای اثبات نسبت وضعیت اخلاق و اقتصاد یک جامعه وجود دارد. نگاهی سرسری به تاریخ، خاصه تاریخ در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که چگونه بی‌ثباتی و عدم امنیت اقتصادی، بر ساختن یک طبقه اجتماعی قلیل‌فردست ثروتمند علیه اکثریت فرودست و در نهایت فقیر می‌تواند همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در بازه زمانی بسیار کوتاهی نابود کند. تجربه فرانسه پس از انقلاب کبیر نشان می‌دهد که یک اقتصاد ویران‌شده، می‌تواند جامعه‌ای با آرمان‌های مترقی را نیز به قهقرای رذیلانه‌ترین خصایل اخلاقی فرو بگلتاند.»

نوید رجایی‌پور اعتقاد دارد: «همزمان با تلاش برای احیای اکوسیستم اقتصاد دیجیتال، یک همت جمعی هم باید بکنیم تا اخلاق به این بخش برگردد، بی‌اخلاقی خیلی زیاد شده و متأسفانه بعضی جاها هم شده فرهنگ!»

کاربر بخارا نوشته: «پایه و اساس و شرط یک جامعه معنویت‌پرور و مهربان و باگذشت و مفاهیمی از این دست، اقتصاد است. اقتصاد، ضامن اخلاق است.»

سلطانعلی شوکت‌الملک معتقد است: «اقتصاد ایران در حال نابود شدن بوده و هست. مهمترین دلیل کاهش قدرت اقتصادی در ایران، از بین رفتن اخلاق است. جامعه ایران نیاز به اخلاق و آموزش انسانیت دارد، نبود اخلاق و آموزه‌های انسانی، جامعه را به این روز انداخته.»

علی معین‌الدین در واکنش به این خبر که «مطابق آمار رسمی، ۴۰ درصد پزشکان عمومی به شغلی غیر از طبابت مشغولند» نوشته: «فکر کرده‌اند سلامت یعنی این که فقط دانشجوی پزشکی بگیرد و دکتر تحویل بدهد. اقتصاد ویران، همه حوزه‌ها را به ویرانی می‌کشد، حتی حوزه اخلاق را.»

شایان از تجربه شخصی‌اش حرف زده: «در سال کنکورم آن قدر درس خواندم که آخر سال، یک پلاستیک پوک خودکار جمع کرده بودم. دوباره قد خودم کتاب خورورده بودم. روزه خستگی‌هایم را فاکتور می‌گیرم. توان مالی شرکت در هیچ کلاس خصوصی را نداشتم. حتی برای قلمچی بورسیه بودم، پول نداشتم. چرا یک عده باورشان نمی‌شود بعضی‌ها هم با تلاش، دکتر می‌شوند؟»



امیرحسین (باریستای مناطق محروم) در واکنش به حرف‌های شایان گفته: «با تلاش دکتر شدن را قبول داریم اما مشکل ما این است که هدف برخی دکترها اصلا درمان نیست، فقط و فقط پول. یعنی دقیقا مریض را [به شکل] یک دسته پول می‌بینند. حوصله روضه خواندن نیست، این قدر دیده‌ام که تا صبح می‌توانم مثال بزنم و تعریف کنم، این قدر عجیبند که نمی‌توانی باور کنی.»

شایان جواب داد: «فقر که زیاد می‌شود، اقتصاد که فرومی‌پاشد، اخلاق از بین می‌رود. همه به دنبال نجات خودشان هستند، نه نجات دیگری مثل بیمار.»

میدان مشق



ارمغان زمان فشمی

دغدغه اصلی

من نه اقتصاددان هستم و نه جامعه‌شناس. همین قدر می‌فهمم که در سال‌های اخیر، سال به سال، همان قدر که از توان اقتصادی کم شده، به بی‌اخلاقی اضافه شده است. اخلاق در جامعه به قهقرا رفته و اوضاع را تلخ و ترسناک کرده است. روزی نیست که خبری از زورگیری و قتل و خشونت و فساد در میان خبرها نباشد. جامعه‌ای که آرمانش عدالت و اخلاق بود، دیگر از شنیدن بدترین فجایع نیز شوکه نمی‌شود.

یک روز خبر می‌رسد که پزشک متخصصی را به قتل رسانده‌اند و روز دیگر می‌شنویم که پزشک دیگری، جان خود را گرفته است. پدر، دخترش را می‌کشد و پسر، مادرش را! خبرهایی می‌خوانیم که باورمان نمی‌شود مربوط به ایران خودمان باشد؛ کشوری با هزاران سال تاریخ تمدن و فرهنگ!

گاهی به مناطق فقیرنشین کشورهای مثل هند و برزیل فکر می‌کنم و از خودم می‌پرسم چطور آن مردم با وجود فقر و محرومیت، شاد به نظر می‌رسند؟ بعد به تفاوت‌های آن‌ها با خودمان می‌اندیشم و به این نتیجه می‌رسم که در آن کشورها سرزندگی و رنگ، جریان دارد. خانه‌ها و لباس‌ها رنگ‌های شاد و روشن دارند و مردم، غصه‌هایشان را با نغمه ساز و آواز از یاد می‌برند. حتما همین سرخوشی‌های لحظه‌ای است که امید به ادامه زندگی را به آن‌ها می‌دهد.

آن وقت ما چه وضعیتی داریم؟ در همان حال که پدری کلیه‌اش را برای فروش می‌گذارد تا پولش را صرف درمان فرزند خود کند، در همان جا که پیرزن‌ها و پیرمرد‌ها در پیاده‌رو دستفروشی می‌کنند و در حالی که شهرهایمان از شدت آلودگی هوا به اتاق گاز می‌مانند و در همان هنگام که کودکی به خاطر فقر، خود را حلق آویز می‌کند، به فکر راه انداختن کلینیک‌های عجیب و غریب و صیانت از فضای مجازی هستیم!

مشکل اینجاست که دغدغه‌های مردم با دغدغه‌های مسئولان از زمین تا آسمان فرق دارد. مسئولان به جای آن که به فکر رفع مشکلات مردم باشند، مدام با حرف‌ها و طرح‌های نسنجیده، گرهی بر گره مشکلاتشان می‌افزایند و استخوان لای زخمشان می‌گذارند. در این میان، آنچه از جامعه رخت برمی‌بندد، امنیت است و اخلاق.

مردم تا چه وقت باید چوب بی‌توجهی و ندانم‌کاری مسئولان را بخورند؟ مسئولان چه موقع قرار است متوجه مشکلات اصلی و اساسی مردم شوند و برای حل آن‌ها اقدام مؤثری انجام بدهند؟ چه موقع رنگ شادی و رقص نور به خانه‌های مردم ما راه پیدا خواهد کرد؟

Email:jameettelaat@gmail.com

روایت زنان از روزمره‌های قرن پیشین نامه‌هایی از کرمان به دوبلین



آناهیتا ناهیدی*

تولستوی در موخره‌ای که بر جنگ و صلح^۱ نوشته می‌گوید که تاریخ، عمدتاً روایتی است از جنگ‌ها، نوبت حکمرانی‌ها و زندگی اقلیتی شامل شاهان و درباریان که بر جامعه زمانه‌شان تسلط داشته‌اند. طرز فکر و نقش سایر اعضای جامعه در تحولات تاریخی نادیده گرفته شده و جزئیات زندگیشان چون خوراک و پوشاک و گذران روزمره عموماً از اهمیت چندانی برخوردار نبوده‌اند تا ثبت شوند و به گوش معاصرین برسند. با این حال گاه می‌توان از خلال برخی یادداشت‌ها، خاطرات، سفرنامه‌ها و نامه‌ها بخش‌هایی از این جهان از دست‌رفته را متصور شد. در این سری یادداشت‌ها کتاب‌هایی با چنین رویکردی که گاه از درون، نگاه امیک و گاه از بیرون، نگاه اتیک به مردم این سرزمین دارد معرفی خواهند شد. این کتاب‌ها می‌توانند بستر مناسبی نیز برای روایت‌پژوهی انسان‌شناسانه باشند، خصوصاً مطالعه زیست‌نگاری که به‌عنوان یکی از انواع روایت‌پژوهی به کار گرفته می‌شود^۲.

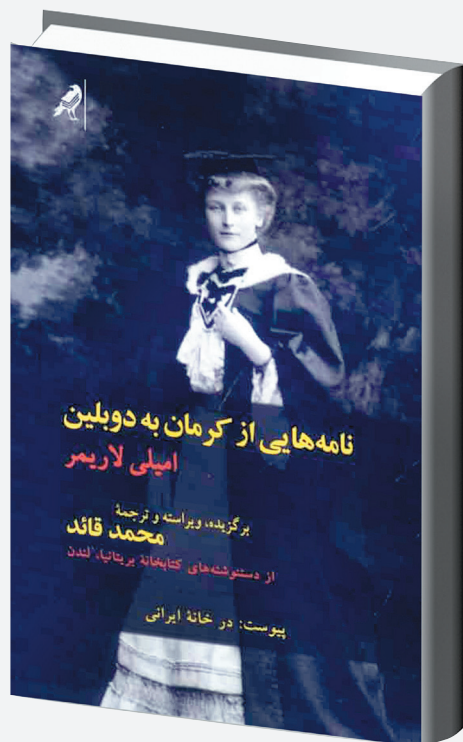
کتاب «نامه‌هایی از کرمان به دوبلین» اثر امیلی لاریمر نگاهی به زندگی روزمره ایرانی دارد. از این روایت زنانه می‌توان ابعاد گمشده‌ای از تاریخ این سرزمین را شنید که جزئیاتی از روزمرگی‌های قرن گذشته را با دقت بیان می‌دارد. امیلی لاریمر، همسر دیوید لاکهارت رابرتسن لاریمر، کنسول بریتانیا در کرمان در سال‌های پایانی حکومت قاجار است. در این کتاب ۵۹ نامه باقی‌مانده از امیلی، مشروخی از روزمرگی‌های خانوادگی و اجتماعی‌اش در کرمان را که برای والدینش در دوبلین ارسال داشته می‌خوانیم. تاریخ نخستین نامه ۲۰ دسامبر ۱۹۱۲ است تا آخرین‌شان مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۴ که شکل متفاوتی از ارتباط جهانی در بیش از صد سال پیش با امروز را قابل درک می‌کند. این مجموعه نامه‌ها در نتیجه دقت و مراقبت گیرندگان و توجه همسرش، پس از درگذشت او به کتابخانه موزه بریتانیا اهدا شدند.

از آن جایی که مخاطب نامه‌ها والدین امیلی هستند و او همچون سفرنامه‌نویسان این یادداشت‌ها را برای ثبت در تاریخ نوشته بود، شاید بتوان به اشتباهات جزئی و حرف‌هایی که بدون تحقیق در فضایی خصوصی و خانوادگی برای پدر و مادرش نوشته با دیده اغماض نگریست. وی گاه ناظری بی‌طرف است که تنها به شرح مواقع می‌پردازد و گاه خودش هم ذی‌نفع است و دچار اغراق می‌شود یا بدون تحقیق کافی آن‌چه را شنیده تعمیم می‌دهد. مثلاً در مواردی به اهمیت و جایگاه آداب و رسمی همچون نوروز و عزاداری محرم در ایران آن روز اشاره دارد یا جایی مفصلاً از رسم بست‌نشینی ایرانیان در مواقع دردسر و گرفتاری می‌گوید که هر یک در جای خود قابل توجهند. اما وقتی در مورد عادی بودن و رواج شهادت دروغ و پرداخت پول در ازای آن می‌نویسد، خواننده را به این فکر وامی‌دارد که مگر پس از گذشت یک سال و اندی اقامت در یک شهر، آن هم با زبان فارسی شکسته و بسته، او چقدر از مردم ایران شناخت پیدا کرده که با قطعیت چنین می‌گوید: «در ایران اگر از یک نفر که چیزی را دیده بپرسید دقیقاً چه اتفاقی افتاد، روایتی ارائه می‌دهد که خیال می‌کند شما خوشتان می‌آید و وقتی طرف دیگر جلو بیاید همین آدم روایتی برای آن‌ها سر هم می‌کند که به اندازه قبلی از حقیقت فاصله دارد. بعد او را در موقعیتی کم و بیش علنی با هر دو طرف روبه‌رو کنید، انکار خواهد کرد که اصلاً آن‌جا بوده! حتی اگر شهادتی بخرید - که ایرانی‌ها همیشه این کار را می‌کنند - نمی‌توانید مطمئن باشید آن‌چه سفارش داده‌اید و برایش پول پرداخته‌اید در موقع حساس تحویل داده شود.» این بخشی از نامه امیلی بود که در آن شرح ماجرای را می‌دهد که پیرو اختلافی که بین دو اروپایی پیش آمده، شوهرش مسئول رسیدگی و حکمیت میان‌شان شده و نوکران طرفین دعوی به‌عنوان شاهد احضار شده بودند که در این ماجرای بخصوص، تعمیم شهادت جانبدارانه نوکران فردی خارجی به کل ایرانیان کمی غیرمنصفانه به نظر می‌رسد.

در خلال این نامه‌ها می‌توان اوضاع اجتماعی روز را نیز در کرمان آن زمان دریافت، از جمله ناامنی راه‌ها و حضور گاه و بیگاه راهزنان، تنبیه‌های سختی چون بریدن گوش نوکران و قطع دست دزد، تأخیر محموله‌های پستی، سن پایین ازدواج و چندهمسری میان ثروتمندان. مشاهداتش از بازار، سفرشان با کاروان در مسیر کرمان، وضعیت بیمارستان‌های مدرن تازه‌تأسیس، امکاناتش و ارتباط بیماران محلی با اطباء فرنگی نیز در جای‌جای این نامه‌ها جزئیاتی ارزشمند در تجسم فضای آن دوران ارائه می‌کنند.

علاوه بر وضعیت اجتماعی که امیلی شرح می‌دهد، روابطش با افراد نیز قابل توجه است. ایرانیانی که در این نامه‌ها از آنان یاد می‌شود عمدتاً در دو دسته قرار می‌گیرند، صاحب‌منصبان حکومتی و خانواده‌شان که امیلی به واسطه روابط همسرش با آنان مراوده داشته و دوم مردم عادی اعم از خدمتکاران خانگی، چهارپاداران و کسبه.

در جاهای مختلف در ارتباط با مردان و زنان اشراف ایرانی به جدایی زنان و مردان این طبقه و رعایت سختگیرانه حریمیت اشاره دارد. تربیت فرزندان، جایگاه نزدیک مستخدمان با خانم‌هایشان، حمام رفتن هفتگی و شیرینی‌ها و خوراک جالب توجه و نحوه پذیرایی ایرانی در مهمانی‌های زنانه از سایر مواردی‌اند که توجه امیلی را جلب کرده و مفصل درباره‌شان شرح داده بود.



ترکیب بی‌قواره سنت ایرانی با مدرنیسم اروپایی در پوشش زنان که توی ذوق امیلی زده نیز نکته جالب توجهی در اوایل قرن بیستم است. در این مورد، بعد از شرح دقیق لباس‌های خانم‌های ایرانی در مهمانی و منزل، نوشته «بدبختانه به جای پیراهن ساده طبیعی که دم دست دارند، شروع به پوشیدن لباس‌های وحشتناک به اصطلاح اروپایی کرده‌اند». او که برای دیدن خانم سردار نصرت به منزلشان رفته بود، از لباس عجیبی که دختر سردار پوشیده بود می‌نویسد و اشاره می‌کند که گویی آن دختر بلد نبوده کمر لباس را تنظیم کند و علاوه بر آن به جنس لباس هم آشنا نبودند و از امیلی، بپه‌وده، انتظار تأیید و تحسین آن ترکیب ناخوشایند را داشتند.

امیلی به‌عنوان زنی که علاوه بر انجام بخشی از کارهای اداری کنسولگری، مسئولیت امور خانه را نیز به عهده داشته، داستان‌های زیادی از مستخدمان خانگی دارد. در نامه دهمش اشاره می‌کند که شهروندان زن ایرانی، به جز پارسیان گبری‌زبان، حاضر نیستند به خدمت خانگی برایشان بپردازند.

این که زنان مسلمان، حتی در طبقه فرودست اقتصادی، حاضر به خدمت خارجی‌ان نبودند به لحاظ ارزش‌های فرهنگی قابل بررسی است؛ تا جایی که امیلی ناچار می‌شود در مهمانی زنانه‌ای که برای ایرانیان ترتیب داده برای پذیرایی از یکی از صاحب‌منصبان دیگر، زن خدمتکاری را موقتاً قرض بگیرد. برخی خدمه را از هندوستان آورده بودند و بعضی دیگران از مستخدمان مرد، ایرانی بودند اما در هر دو مورد چندین بار از دلدزدی‌هایی که نوکران می‌کنند گله دارد، به حدی که نامه چهل و دوشم را کاملاً به شرح ماجراهایی در این راستا اختصاص می‌دهد. خانم لاریمر در نامه‌هایش گاه به مسائل اجتماعی روز نیز اشاره‌ای دارد. برای نمونه، امیلی جایی درخصوص اداره کارگاه‌های قالی‌بافی می‌نویسد و به سیستم پدرسالارانه‌ای اشاره دارد که زنان، کودکان و کارگران خانگی را همچون برده در شرایطی سخت به کار گرفته بود. هرچند اشاره به انسان‌دوستی غربی، خصوصاً در آن سال‌های استعمار، ژستی خیرخواهانه بیش نبود اما با توجه به روایت نمی‌توان منکر این شرایط سخت برای افراد مذکور شد، اگرچه راوی و دولت متبوعش مکرراً در ایران و سایر کشورها عامل شرایطی بسی سخت‌تر بوده باشند. هرچند حواشی پیرامون اعتصاب قالی‌باف‌ها و روابط مالی فروش آن به شرکت‌های خارجی به لحاظ درک اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شایان توجه است، اما به هر حال آن‌چه او در چنین مواردی برای والدینش شرح می‌دهد اغلب روایتی است دست دوم که از همسرش، لاک، شنیده بود. چنین موضوعی در سایر روابط سیاسی کنسول بریتانیا با نمایندگان سایر دول اروپایی و سران محلی نیز صدق می‌کند. آن‌چه نامه‌های امیلی را منحصر به فرد می‌سازد، نتایج مشاهداتش است از روابطش با افراد ایرانی و خصلت‌هایشان، موجودی رایج بازار آن زمان، جزئیات غذاها، اسباب و اثاثیه و پوشاک ایرانیان و امثالهم. صرف‌نظر از این که امیلی اغلب دچار سوءتفاهم‌هایی از نوع مواجهه دو فرهنگ کاملاً بیگانه می‌شود و گله و شکایتش با نگاهی از بالا به پایین همراه است، نگاهش در جایگاه زن خانه‌دار اروپایی و صمیمیتش در بازگو کردن مسائل برای والدینش این مجموعه روایات را ارزشمند می‌سازد.

عنوان «در خانه ایرانی» برای مجموعه یادداشت‌هایی برگزیده شده که در دهه ۵۰ توسط اعضای انگلیسی‌زبان و ایرانی کلیسای اسقفی تهران در چهارده بند تهیه کرده بودند تا برخی قواعد عرفی ایرانی را برای تازه‌واردان شرح دهند و تبعات شوک فرهنگی و سوءتفاهم‌های احتمالی برای خارجی‌ان را به حداقل برسانند، از جمله فین کردن در جمع یا علامت با انگشت شست که در ایران و اروپا تعابیر متفاوتی دارند یا تعارف کردن و چانه زدن که از مشخصه‌های فرهنگی خاورمیانه بوده و برای غربیان غریب می‌نماید. این جزوه علاوه بر کارایی آن در زمان خودش، به لحاظ ثبت آداب و رسوم شهری بیش از نیم قرن پیش شایان توجه است. بسیاری از این موارد بنا به تغییرات تکنولوژیک یا وضعیت اقتصادی به کلی تغییر یافته‌اند، من‌جمله چاپ آگهی تسلیت در روزنامه یا دادن سکه‌های طلا به‌عنوان عیدی، اما برخی رفتارها همچنان بدون تغییر باقی مانده و امروزه قابل مشاهده‌اند، همچون تعارف کردن در مقابل در برای این که چه کسی اول وارد شود یا زباله ریختن در خیابان توسط افرادی که به نظافت منزلشان اهمیت فراوانی می‌دهند اما نظافت شهری اولویت چندانی در نظرشان ندارد. وجود چنین راهنمایی از طرفی نشانگر افزایش حضور غربیان در ایران در اوج شکوفایی اقتصادی و ارتباطش با جهان بوده و از سوی دیگر می‌توان آن را مجموعه مردم‌نگارانه مختصر و مفیدی از ایران دهه پنجاه دانست. این کتاب با عنوان «نامه‌هایی از کرمان به دوبلین» به قلم امیلی لاریمر، توسط محمد قاند از دست‌نوشته‌های کتابخانه بریتانیا در لندن برگزیده، ویرایش و ترجمه شده و به همراه پیوست «در خانه ایرانی» در یک مجلد توسط نشر کلاغ به سال ۱۳۹۹ چاپ شده است.

۱. تولستوی لئو، جنگ و صلح، ترجمه کاظم انصاری، تهران: امیرکبیر
 ۲. کرسول جان (۱۳۹۸)، پوشش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار
- * دانشجوی کارشناسی‌ارشد انسان‌شناسی در دانشگاه تهران
منبع: سایت انسان‌شناسی و فرهنگ



ریحانه حیدری



دکتر **فرشاد مومنی**، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبائی از آن کارشناس‌هایی است که فرقی نمی‌کند در انتخابات با قطعیت به کسی رأی بدهد یا با شک و تردید به هر حال نقد خود را نسبت به دولت‌ها و تصمیم‌های نادرستان دارد. درباره موضوع «اخلاق و اقتصاد» با او گفتگو کردیم.

یکی از شعارهای سیاستمداران در اوایل انقلاب، عدالت‌محوری و گرفتن تصمیم‌های اخلاقی در شرایط خطر اقتصادی بود اما امروز در شرایطی که فساد و رانت در تاروپود تصمیمات اقتصادی رسوخ کرده است، آیا می‌توان از اخلاق در اقتصاد سخن گفت؟ چه زمانی و در چه شرایطی می‌توان از ادغام عمل اخلاقی و فعل اقتصادی حرف زد؟

چند نکته روش‌شناختی مهم در مورد این پرسش وجود دارد که برای دقیق‌تر کردن بحث به آن‌ها نیاز داریم؛ یکی از آن نکته‌ها این است که در ۴۵ سال گذشته، ما بی‌سابقه‌ترین فراز و فرودها را در جهت‌گیری‌های سیاست اقتصادی و در کارنامه عملکرد اقتصادی داشته‌ایم، بنابراین یکپارچه دیدن کل این دوره، قضاوت دقیقی به ما نمی‌دهد، کمالاین که در دوره قبل از انقلاب هم چنین فراز و فرودهایی مشاهده شده و کارنامه‌های متفاوتی رقم خورده است؛ حتی در درون یک دولت مثل دولت امیرعباس هویدا فراز و فرودها شدید بوده و در دوره محمدرضا شاه و پدرش هم چنین فراز و فرودهایی وجود داشت. هیچ بخشی از گذشته از این قاعده مستثنی نیست.

شما به نقطه عطف پیروزی انقلاب اسلامی و وعده‌های آن اشاره کردید، من در یک مقاله پژوهشی که در کتاب «کارنامه دولت جنگ» که به اهتمام دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی و آقای دکتر عباس ملکی توسط انتشارات روزنه منتشر شده، توضیح داده‌ام که در دهساله اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جهت‌گیری‌های اتخاذشده و فرائندهای تخصیص منابع و تصمیم‌گیری، به طرز غیرقابل‌باوری با وعده‌هایی که رهبران انقلاب به مردم داده بودند هم‌راستا بود. برای مثال، شورای انقلاب برای تحقق بخشیدن به شعار خروج از اقتصاد تک‌محصولی خام‌فروشانه تصمیم می‌گیرد صدور نفت به خارج را از حدود چهار میلیون بشکه در روز به حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد؛ یعنی ۸۰ درصد کاهش خام فروشی.

این مسأله، یک تصمیم به معنای دقیق کلمه انقلابی است که

به طور متوسط ۱۱،۵ برابر میزانی بوده که از حکومت پهلوی تحویل گرفته شده است، توجه کنید که چنین نسبی در زمینه احداث مدرسه، احداث درمانگاه، آب‌رسانی بهداشتی، برق‌رسانی، برخوردار کردن روستاییان از جاده‌های باکیفیت و... وجود دارد. در ادبیات توسعه، عریان‌ترین و فاجعه‌آمیزترین جلوه‌های فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، در مناطق روستایی قابل مشاهده است. این که یک حکومت، چنین سرویسی در این ابعاد به فرودست‌ترین بخش‌های اجتماعی عرضه کند و آن‌ها را در اولویت بگذارد، نشان‌دهنده سطوحی از صدق گفتار و عمل در جهت تحقق وعده‌هایی است که معطوف به برآمدن مستضعفان و فرودستان و خروج آن‌ها از استضعاف بود.

مسأله بسیار حیاتی دیگری که در آن دوره، شایسته تأمل به نظر می‌رسد، اهتمام بی‌ظنریی است که در زمینه احتراز حکومت از اتخاذ سیاست‌های تورم‌زا وجود داشت. ما در اقتصاد سیاسی می‌گوییم تورم، ظالمانه‌ترین مالیاتی است که با سیاست‌های ناپخردانه یک حکومت از فقرا به نفع اغنیا اخذ می‌شود. این که ایران در دوره دهساله بعد از انقلاب، با وجود آن‌که درگیر یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تحمیلی بوده، همواره در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته با کمترین میزان تورم قرار داشته خودش جالب است. در سال ۱۳۹۴ کتابی با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز» نوشته و در یک فصل از آن که «عصر تورم‌های اندک» نام دارد اشاره کرده‌ام که در دهه ۱۹۸۰، جهان در حال توسعه به واسطه آلوده شدن به بحران بدهی‌ها و از طریق آن آلوده شدن به اجرای اجباری برنامه‌های تعدیل ساختاری، بالاترین سطوح تورم را در طول تاریخ تجربه می‌کرد اما ایران جزو کشورهای منحصر به‌فرد در کل کشورهای در حال توسعه بود که یکی از کمترین میزان‌های تورم را داشت؛ یعنی در شرایطی که جهان، عصر تورم‌های بالا را تجربه می‌کرد، درایت‌ها، هوشمندی‌ها و ذکاوت‌های استاد فقید میرمصطفی عالی‌نسب و همراهی‌های عالمانه و صادقانه مهندس میرحسین موسوی باعث شد که ما کمترین میزان تورم در کل کشورهای در حال توسعه را تجربه کنیم، آن هم وقتی که درگیر جنگ بودیم و با وجود همه تحریم‌ها و فشارهای غیرمتعارفی که وجود داشت و از همه مهم‌تر تقریباً در نیمی از آن دوره ما با سقوط‌های بی‌سابقه در قیمت نفت هم مواجه بودیم.

در چنان شرایطی، اهتمام برای پرهیز از سیاست‌های تورم‌زا وجود داشت، چون آن‌ها صادقانه به وراثت مستضعفان فکر می‌کردند و در حد مقدورانتشان پایبندی عملی به این مسأله نشان می‌دادند.

اشاره کردید که در طول تاریخ معاصر، هم پیش و هم پس از انقلاب، فراز و فرودهایی در تصمیم‌گیری‌ها

• **متوسط نرخ تورم در دوره جنگ از متوسط نرخ تورم در دوره پساجنگ کمتر بود**

• **تورم، ظالمانه‌ترین مالیاتی است که با سیاست‌های ناپخردانه یک حکومت از**

فقرا به نفع اغنیا اخذ می‌شود

وجود داشته است، مهم‌ترین عامل ایجاد این فراز و فرودها را چه می‌دانید؟

حتما می‌دانید که هیچ امر انسانی و اجتماعی را با یک عامل نمی‌توان توضیح داد اما باید دید حکومت، چه کسانی را متحندان استراتژیک خود قرار می‌دهد. در دهساله اول انقلاب که آن اتفاقات افتاد، بخش‌های مولد جامعه یعنی کشاورزان، کارگران، کسانی که خدمات مولد ارائه می‌کردند و فرودستان را متحندان استراتژیک خودش می‌دانست، بنابراین تمام تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای تخصیص منابع را در این راستا مورد ارزیابی قرار می‌داد.

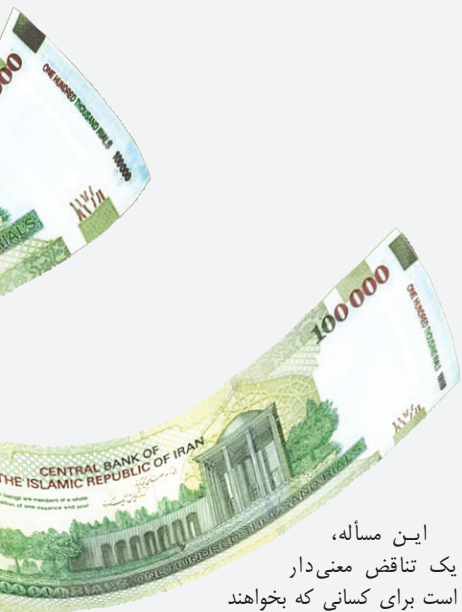
در دوره تعدیل ساختاری، زمانی که زنده‌یاد هاشمی رفسنجانی، برنامه تعدیل ساختاری را در دستور کار قرار داد، در یک سخنرانی در سال ۱۳۴۸ در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، مشفقانه با ایشان گفتگو کردم و گفتم درک می‌کنم شما که متخصص اقتصاد نیستید، مسائل فنی آن را درک نکنید اما این برنامه به لحاظ فنی، برنامه منطقی است، بنابراین من از زاویه‌ای با شما وارد بحث می‌شوم که به اعتبار جایگاه روحانیت شما انتظار می‌رود از آن آگاهی داشته باشید.

پیشنهاد کردم تا بنیان‌های فکری و فلسفی این برنامه را زیر ذره‌بین قرار بدهند و جمله معروفی از «پل ساموئلسون» را که از پیام‌آوران بازارگرایی در قرن بیستم محسوب می‌شد نقل کردم که معتقد است اگر بازارگرایی را در جامعه‌ای ترویج کردید و بعد به عدالت هم ابراز علاقه کردید، معلوم است که نه عدالت را می‌شناسید و نه از شرایط و مناسبات بازارگرایی خبری دارید؛ او تئوری بازار را به اتوبوسی تشبیه می‌کند که مقصد آن عدالت نیست. در چارچوب اندیشه و تئوری بازار، حق آرا به شکل دلاری تعریف می‌شود؛ یعنی افراد به میزانی که در جیبشان پول دارند صاحب حق هستند.

من زنده‌یاد هاشمی رفسنجانی را موردخطاب قرار دادم و گفتم آیا واقعا براساس آن درکی که شما از اسلام دارید در چارچوب انسان‌شناسی اسلامی، اصالت پول به مثابه یگانه مبنای تعیین حق در نظر گرفته شده و اگر این‌طور است بدانید که این جامعه با تعارض روبه‌رو خواهد شد. در همان دوره مسئولیت ایشان، ما بی‌سابقه‌ترین شورش‌های شهری را در واکنش به سیاست‌های مخرب سرمایه‌سالار، ضدعدالت و غیرمولد تجربه کردیم.

تصمیم‌های اقتصادی پس از دوره جنگ به چه سمت و سویی رفت؟

آنچه را که در دوره بعد از جنگ اتفاق افتاده، در کتاب «اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز» تشریح کرده‌ام. در آن زمان، جهان به تدریج و به صورت فزاینده به سمت تورم‌های اندک رفت، به‌طوری که میانگین تورم جهانی حدوداً پنج‌درصد شد، در حالی که ما طی ده سال گذشته، تورم‌های بین ۳۰ تا ۴۵ درصد را تجربه کردیم.



این مسأله،

یک تناقض معنی‌دار

است برای کسانی که بخوانند

سیاست‌های حاکم بر ایدئولوژی دهساله اول

و دوره‌های پس از آن را که محوریّت با حاکم کردن سرمایه‌های ربوی و رانتی بود تحلیل کنند. حتی با لحاظ کردن بسیاری از متغیرهای دیگر از نظر کمی، متوسط نرخ تورم در دوره جنگ از متوسط نرخ تورم در دوره پساجنگ کمتر بوده است. ما در



دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ - سال نودونهم - شماره ۲۸۱۳۲

در باب رابطه اخلاق و آزادی

در غیاب آزادی، سراغ اخلاق را نگیرید

گفتگو با دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان

و ثروت دسترسی داشته باشند. آیا در چنین شرایطی که فاصله خودی‌ها و ناخودی‌ها هر روز بیشتر می‌شود، می‌توان ریشه بی‌اخلاقی‌ها را تبعیض‌ها و توجیه فساد خودی‌ها دانست؟

شهید بهشتی در کتاب «بانکداری، ربا و مسائل مالی در اسلام» با الهام از مصراحات قرآنی، از این تعبیر استفاده می‌کنند که دامن زدن به مناسبات ربوی، افراد و جوامع را شیطان‌زده می‌کند؛ گویی که روح شیطان به مناسبات جمعی دمیده می‌شود. فسادمحوری قرار دارد باید بگوییم در دوره جنگ به گواه مستندانی که در سالنامه‌های آماری مرکز آمار وجود دارد با پایین‌ترین موارد فساد در همه انواع و گونه‌های آن، نسبت به دوره پیش و پس از انقلاب و نسبت به دوره پس از جنگ روبه‌رو هستیم. این موضوع می‌تواند برای اهل خرد و دانایی عبرت بزرگی باشد که چطور یک حکومت وقتی با مردم صادقانه برخورد می‌کند و نسبت به آرمان‌های آن‌ها نگاهی هم‌دلانه دارد می‌تواند هم کارنامه افتخارآمیزی از خودش بر جای بگذارد و هم فساد را به اندازهای کاهش دهد که مایه شگفتی هر پژوهشگر مستقل و منصفی شود.

در دوره پس از جنگ، اوضاع به سمت مناسبات پرفساد و نابرابر و سیطره غیرمتعارف بی‌اخلاقی برگشت. جا دارد به روش علمی، فهم خودمان را درباره نسبت میان رعایت اخلاق با شیوه اداره جامعه مشخص کنیم؛ اگر چنین رویکردی را اتخاذ کنیم درس‌های شگفت‌انگیزی پدیدار می‌شود.

در تعلیم دینی، یکی از عوامل رواج بی‌اخلاقی، سیطره مناسبات ربوی است. اگر از این دریچه نگاه کنیم، مقایسه دوره دهساله اول و دوره پس از جنگ، معنی‌دار می‌شود. در دوره جنگ، سهم سود پول در قیمت تمام‌شده کالا و خدمات تولید ایران، در پایین‌ترین اندازه‌ها در میان کل کشورهای درحال‌توسعه بود. در دوره پس از جنگ که حکومتگران به صورت ناپخردانه به سمت برنامه تعدیل ساختاری متمایل شدند، قیمت تمام‌شده برای تولیدکنندگان ایرانی بین ۵ تا ۱۰ برابر میانگین جهانی شده است.



وقتی به ادبیات موضوع

مراجعه می‌کنیم، این مورد جزو اصول بدیهی اولیه عقلی است که در فعل اخلاقی، فقط زمانی می‌توان مسأله را موضوعیت‌دار دانست که آزادی انتخاب در همه عرصه‌های حیات جمعی وجود داشته باشد. بنابراین وقتی که زور به کار گرفته می‌شود اخلاق، بزرگ‌ترین قربانی است و کسانی که می‌خواهند با زور افراد را به بهشت ببرند اگر آن‌قدر آگاه هستند، بهتر است ابتدا خودشان را از آن جهنمی که در اسارتش قرار گرفته‌اند نجات دهند.

این عبارت از امانوئل کانت، بسیار تکان‌دهنده است که می‌گوید: هرقدر جامعه‌ای آزادتر باشد اخلاقی‌تر خواهد بود. از این دریچه می‌توانید به آرای «آمارتیاس» و «ساموئل هانتینگتون» است: «آن‌هایی که با آزادی‌های مشروع دیگران مخالفت کرده و محدودیت ایجاد می‌کنند، در مورد خودشان قائل به آزادی‌های بی‌قید و شرط هستند اما این آزادی‌های بی‌قید و شرط را فقط برای خودشان می‌خواهند و برای دیگران مضر می‌دانند.»

داگلاس نورث در کتاب «تهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» می‌گوید فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا

• **آن کسی که مناسبات را ربوی می‌کند فساد و بی‌اخلاقی درو خواهد کرد**

• **فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت**

ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا رفته باشد

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند. مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است. درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»





ریحانه حیدری



دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان و

استاد دانشگاه علامه طباطبائی از آن کارشناس‌هایی است که فرقی نمی‌کند در انتخابات با قطعیت به کسی رأی بدهد یا با شک و تردید به هر حال نقد خود را نسبت به دولت‌ها و تصمیم‌های نادرستان دارد. درباره موضوع «اخلاق و اقتصاد» با او گفتگو کردیم.

چند نکته روش‌شناختی مهم در مورد این پرسش وجود دارد که برای دقیق‌تر کردن بحث به آن‌ها نیاز داریم؛ یکی از آن نکته‌ها این است که در ۴۵ سال گذشته، ما بی‌سابقه‌ترین فراز و فرودها را در جهت‌گیری‌های سیاست اقتصادی و در کارنامه عملکرد اقتصادی داشته‌ایم. بنابراین یکپارچه دیدن کل این دوره، قضاوت دقیقی به ما نمی‌دهد، کمالاین که در دوره قبل از انقلاب هم چنین فراز و فرودهایی مشاهده شده و کارنامه‌های متفاوتی رقم خورده است؛ حتی در درون یک دولت مثل دولت امیرعباس هویدا فراز و فرودها شدید بوده و در دوره محمدرضا شاه و پدرش هم چنین فراز و فرودهایی وجود داشت. هیچ بخشی از گذشته از این قاعده مستثنی نیست.

شما به نقطه عطف پیروزی انقلاب اسلامی و وعده‌های آن اشاره کردید، من در یک مقاله پژوهشی که در کتاب «کارنامه دولت جنگ» که به اهتمام دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی و آقای دکتر عباس ملکی توسط انتشارات روزنه منتشر شده، توضیح داده‌ام که در دهساله اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جهت‌گیری‌های اتخاذشده و فرائندهای تخصیص منابع و تصمیم‌گیری، به طرز غیرقابل‌باوری با وعده‌هایی که رهبران انقلاب به مردم داده بودند هم‌راستا بود. برای مثال، شورای انقلاب برای تحقق بخشیدن به شعار خروج از اقتصاد تک‌محصولی خام‌فروشانه تصمیم می‌گیرد صدور نفت به خارج را از حدود چهار میلیون بشکه در روز به حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد؛ یعنی ۸۰ درصد کاهش خام فروشی.

این مسأله، یک تصمیم به معنای دقیق کلمه انقلابی است که

به طور متوسط ۱۱٫۵ برابر میزانی بوده که از حکومت پهلوی تحویل گرفته شده است، توجه کنید که چنین نسبی در زمینه احداث مدرسه، احداث درمانگاه، آب‌رسانی بهداشتی، برق‌رسانی، برخوردار کردن روستاییان از جاده‌های باکیفیت و... وجود دارد. در ادبیات توسعه، عریان‌ترین و فاجعه‌آمیزترین جلوه‌های فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، در مناطق روستایی قابل مشاهده است. این که یک حکومت، چنین سرویسی در این ابعاد به فرودست‌ترین بخش‌های اجتماعی عرضه کند و آن‌ها را در اولویت بگذارد، نشان‌دهنده سطوحی از صدق گفتار و عمل در جهت تحقق وعده‌هایی است که معطوف به برآمدن مستضعفان و فرودستان و خروج آن‌ها از استضعاف بود.

مسأله بسیار حیاتی دیگری که در آن دوره، شایسته تأمل به نظر می‌رسد، اهتمام بی‌ظنریی است که در زمینه احتراز حکومت از اتخاذ سیاست‌های تورم‌زا وجود داشت. ما در اقتصاد سیاسی می‌گوییم تورم، ظالمانه‌ترین مالیاتی است که با سیاست‌های ناپخردانه یک حکومت از فقرا به نفع اغنیا اخذ می‌شود. این که ایران در دوره دهساله بعد از انقلاب، با وجود آن‌که درگیر یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تحمیلی بوده، همواره در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته با کمترین میزان تورم قرار داشته خودش جالب است. در سال ۱۳۹۴ کتابی با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز» نوشته و در یک فصل از آن که «عصر تورم‌های اندک» نام دارد اشاره کرده‌ام که در دهه ۱۹۸۰، جهان در حال توسعه به واسطه آلوده شدن به بحران بدهی‌ها و از طریق آن آلوده شدن به اجرای اجباری برنامه‌های تعدیل ساختاری، بالاترین سطوح تورم را در طول تاریخ تجربه می‌کرد اما ایران جزو کشورهای منحصr به‌فرد در کل کشورهای در حال توسعه بود که یکی از کمترین میزان‌های تورم را داشت؛ یعنی در شرایطی که جهان، عصر تورم‌های بالا را تجربه می‌کرد، درایت‌ها، هوشمندی‌ها و ذکاوت‌های استاد فقید میرمصطفی‌عالی‌نسب و همراهی‌های عالمانه و صادقانه مهندس میرحسین موسوی باعث شد که ما کمترین میزان تورم در کل کشورهای در حال توسعه را تجربه کنیم، آن هم وقتی که درگیر جنگ بودیم و با وجود همه تحریم‌ها و فشارهای غیرمتعارفی که وجود داشت و از همه مهم‌تر تقریباً در نیمی از آن دوره ما با سقوط‌های بی‌سابقه در قیمت نفت هم مواجه بودیم.

در چنان شرایطی، اهتمام برای پرهیز از سیاست‌های تورم‌زا وجود داشت، چون آن‌ها صادقانه به وراثت مستضعفان فکر می‌کردند و در حد مقدورانتشان پایبندی عملی به این مسأله نشان می‌دادند.

اشاره کردید که در طول تاریخ معاصر، هم پیش و هم پس از انقلاب، فراز و فرودهایی در تصمیم‌گیری‌ها

• **متوسط نرخ تورم در دوره جنگ از متوسط نرخ تورم در دوره پساجنگ کمتر بود**

• **تورم، ظالمانه‌ترین مالیاتی است که با سیاست‌های ناپخردانه یک حکومت از**

فقرا به نفع اغنیا اخذ می‌شود

وجود داشته است، مهم‌ترین عامل ایجاد این فراز و فرودها را چه می‌دانید؟

حتما می‌دانید که هیچ امر انسانی و اجتماعی را با یک عامل نمی‌توان توضیح داد اما باید دید حکومت، چه کسانی را متحذلان استراتژیک خود قرار می‌دهد. در دهساله اول انقلاب که آن اتفاقات افتاد، بخش‌های مولد جامعه یعنی کشاورزان، کارگران، کسانی که خدمات مولد ارائه می‌کردند و فرودستان را متحذلان استراتژیک خودش می‌دانست، بنابراین تمام تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای تخصیص منابع را در این راستا مورد ارزیابی قرار می‌داد.

در دوره تعدیل ساختاری، زمانی که زنده‌یاد هاشمی رفسنجانی، برنامه تعدیل ساختاری را در دستور کار قرار داد، در یک سخنرانی در سال ۱۳۴۸ در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، مشفقانه با ایشان گفتگو کردم و گفتم درک می‌کنم شما که متخصص اقتصاد نیستید، مسائل فنی آن را درک نکنید اما این برنامه به لحاظ فنی، برنامه منطقی است، بنابراین من از زاویه‌ای با شما وارد بحث می‌شوم که به اعتبار جایگاه روحانیت شما انتظار می‌رود از آن آگاهی داشته باشید.

پیشنهاد کردم تا بنیان‌های فکری و فلسفی این برنامه را زیر ذره‌بین قرار بدهند و جمله معروفی از «پل سامولسون» را که از پیام‌آوران بازارگرایی در قرن بیستم محسوب می‌شد نقل کردم که معتقد است اگر بازارگرایی را در جامعه‌ای ترویج کردید و بعد به عدالت هم ابراز علاقه کردید، معلوم است که نه عدالت را می‌شناسید و نه از شرایط و مناسبات بازارگرایی خبری دارید؛ او تئوری بازار را به اتوبوسی تشبیه می‌کند که مقصد آن عدالت نیست. در چارچوب اندیشه و تئوری بازار، حق آرا به شکل دلاری تعریف می‌شود؛ یعنی افراد به میزانی که در جیبشان پول دارند صاحب حق هستند.

من زنده‌یاد هاشمی رفسنجانی را موردخطاب قرار دادم و گفتم آیا واقعا براساس آن درکی که شما از اسلام دارید در چارچوب انسان‌شناسی اسلامی، اصالت پول به مثابه یگانه مبنای تعیین حق در نظر گرفته شده و اگر این‌طور است بدانید که این جامعه با تعارض روبه‌رو خواهد شد. در همان دوره مسئولیت ایشان، ما بی‌سابقه‌ترین شورش‌های شهری را در واکنش به سیاست‌های مخرب سرمایه‌سالار، ضدعدالت و غیرمولد تجربه کردیم.

تصمیم‌های اقتصادی پس از دوره جنگ به چه سمت و سویی رفت؟

آنچه را که در دوره بعد از جنگ اتفاق افتاده، در کتاب «اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز» تشریح کرده‌ام. در آن زمان، جهان به تدریج و به صورت فزاینده به سمت تورم‌های اندک رفت، به‌طوری که میانگین تورم جهانی حدوداً پنج‌درصد شد، در حالی که ما طی ده سال گذشته، تورم‌های بین ۳۰ تا ۴۵ درصد را تجربه کردیم.



این مسأله، یک تناقض معنی‌دار است برای کسانی که بخواهند سیاست‌های حاکم بر ایدئولوژی دهساله اول و دوره‌های پس از آن را که محوریّت با حاکم کردن سرمایه‌های ربوی و رانتی بود تحلیل کنند. حتی با لحاظ کردن بسیاری از متغیرهای دیگر از نظر کمی، متوسط نرخ تورم در دوره جنگ از متوسط نرخ تورم در دوره پساجنگ کمتر بوده است. ما در



دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ - سال نودنهم - شماره ۲۸۱۳۲

در باب رابطه اخلاق و آزادی

در غیاب آزادی، سراغ اخلاق را نگیرید

گفتگو با دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان

و ثروت دسترسی داشته باشند. آیا در چنین شرایطی که فاصله خودی‌ها و ناخودی‌ها هر روز بیشتر می‌شود، می‌توان ریشه بی‌اخلاقی‌ها را تبعیض‌ها و توجیه فساد خودی‌ها دانست؟

شهید بهشتی در کتاب «بانکداری، ربا و مسائل مالی در اسلام» با الهام از مصراحات قرآنی، از این تعبیر استفاده می‌کنند که دامن زدن به مناسبات ربوی، افراد و جوامع را شیطان‌زده می‌کند؛ گویی که روح شیطان به مناسبات جمعی دمیده می‌شود. فسادمحوری قرار دارد باید بگوییم در دوره جنگ به گواه مستندانی که در سالنامه‌های آماری مرکز آمار وجود دارد با پایین‌ترین موارد فساد در همه انواع و گونه‌های آن، نسبت به دوره پیش و پس از انقلاب و نسبت به دوره پس از جنگ روبه‌رو هستیم. این موضوع می‌تواند برای اهل خرد و دانایی عبرت بزرگی باشد که چطور یک حکومت وقتی با مردم صادقانه برخورد می‌کند و نسبت به آرمان‌های آن‌ها نگاهی هم‌دلانه دارد می‌تواند هم کارنامه افتخارآمیزی از خودش بر جای بگذارد و هم فساد را به اندازهای کاهش دهد که مایه شگفتی هر پژوهشگر مستقل و منصفی شود.

در دوره پس از جنگ، اوضاع به سمت مناسبات پرفساد و نابرابر و سیطره غیرمتعارف بی‌اخلاقی برگشت. جا دارد به روش علمی، فهم خودمان را درباره نسبت میان رعایت اخلاق با شیوه اداره جامعه مشخص کنیم؛ اگر چنین رویکردی را اتخاذ کنیم درس‌های شگفت‌انگیزی پدیدار می‌شود.

در تعلیم دینی، یکی از عوامل رواج بی‌اخلاقی، سیطره مناسبات ربوی است. اگر از این دریچه نگاه کنیم، مقایسه دوره دهساله اول و دوره پس از جنگ، معنی‌دار می‌شود. در دوره جنگ، سهم سود پول در قیمت تمام‌شده کالا و خدمات تولید ایران، در پایین‌ترین اندازه‌ها در میان کل کشورهای درحال‌توسعه بود. در دوره پس از جنگ که حکومتگران به صورت ناپخردانه به سمت برنامه تعدیل ساختاری متمایل شدند، قیمت تمام‌شده برای تولیدکنندگان ایرانی بین ۵ تا ۱۰ برابر میانگین جهانی شده است.

در دوره‌ای که با سلطه رانت، ربا و فساد روبه‌رو هستیم، برخی از کسانی که مسئولیت‌کلیدی فکری و قاعده‌گذاری را در کشور بر عهده داشتند، فشارهای مالایطاق به مردم تحمیل کردند، به این بهانه که می‌خواهند به زور مردم را به بهشت ببرند. نمایان این چنین مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است.

درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»

وقتی به ادبیات موضوع مراجعه می‌کنیم، این مورد جزو اصول بدیهی اولیه عقلی است که در فعل اخلاقی، فقط زمانی می‌توان مسأله را موضوعیت‌دار دانست که آزادی انتخاب در همه عرصه‌های حیات جمعی وجود داشته باشد. بنابراین وقتی که زور به کار گرفته می‌شود اخلاق، بزرگ‌ترین قربانی است و کسانی که می‌خواهند با زور افراد را به بهشت ببرند اگر آن‌قدر آگاه هستند، بهتر است ابتدا خودشان را از آن جهنمی که در اسارتش قرار گرفته‌اند نجات دهند.

این عبارت از امانوئل کانت، بسیار تکان‌دهنده است که می‌گوید: هرقدر جامعه‌ای آزادتر باشد اخلاقی‌تر خواهد بود. از این دریچه می‌توانید به آرای «آمارتیاس» و «ساموئل هانتینگتون» است: «آن‌هایی که با آزادی‌های مشروع دیگران مخالفت کرده و محدودیت ایجاد می‌کنند، در مورد خودشان قائل به آزادی‌های بی‌قید و شرط هستند اما این آزادی‌های بی‌قید و شرط را فقط برای خودشان می‌خواهند و برای دیگران مضر می‌دانند.»

داگلاس نورث در کتاب «تهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» می‌گوید فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا

• **آن کسی که مناسبات را ربوی می‌کند فساد و بی‌اخلاقی درو خواهد کرد**

• **فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت**

ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا رفته باشد

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.

مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است.

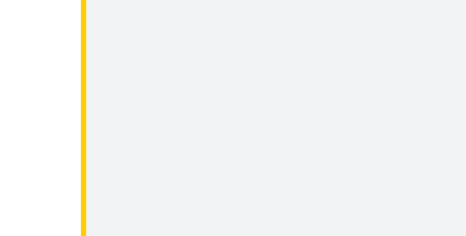
درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.

مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است.

درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.



هر کدام از این موارد نشان می‌دهد ایده به زور به بهشت بردن مردم، بسیار منطحا و ضداسلامی و یک دروغ بزرگ است. آمارتیاسن، مقاله فوق‌العاده‌ای دارد که راجع به اخلاق توضیح داده است: «آن‌هایی که با آزادی‌های مشروع دیگران مخالفت کرده و محدودیت ایجاد می‌کنند، در مورد خودشان قائل به آزادی‌های بی‌قید و شرط هستند اما این آزادی‌های بی‌قید و شرط را فقط برای خودشان می‌خواهند و برای دیگران مضر می‌دانند.»

داگلاس نورث در کتاب «تهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» می‌گوید فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا

• **آن کسی که مناسبات را ربوی می‌کند فساد و بی‌اخلاقی درو خواهد کرد**

• **فساد و بی‌اخلاقی زمانی بر جامعه سیطره پیدا می‌کند که هزینه فرصت**

ابراز آزادانه عقاید و ترجیحات بالا رفته باشد

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.

مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است.

درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.

مطالعات من نشان می‌دهد در هر دوره تاریخی که آزادی‌های مشروع مردم مورد هتک قرار گرفته، بزرگ‌ترین قربانی، اسلام بوده است.

درباره نگاه متعالی اسلام به آزادی‌های مشروع می‌توانید کتاب «نقش آزادی در تربیت کودکان» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را بخوانید. ایشان در این کتاب می‌گویند: «اگر آزادی‌های مشروع مردم را محدود کنید، در واقع خلاف فلسفه خلقت، خلاف فلسفه بعثت انبیا و خلاف فلسفه امامت رفتار کرده‌اید.»

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.

او در این کتاب به تصریح می‌گوید در طول تاریخ اسلام هروقت می‌خواستند آزادی‌های مشروع مردم را مخدوش کنند، پشت ارزش‌ها پنهان می‌شدند.



تهیلا ساسون*

مترجم: مجتبی هانف

آیا میلیونرها امانت دار فقر هستند؟

در باب اقتصاد اخلاقی، شکل گیری نگرش تامپسون که پسر میلی از کلیسای متدیست در هندوستان بود به دوران استعمارزدایی برمی گردد. او در مقدمه تکوین طبقه کارگر در انگلستان می نویسد: «تهفصهایی که در انگلستان شکست خوردند، ممکن است در آسیا و آفریقا پیروز شوند». او همچنین در مقاله خود در سال ۱۹۷۱ درباره این که سیاست ممکن است چه شکلی باشد بیشتر توضیح می دهد.

او به دنبال درک اندیشه اقتصادی نهفته در پس شورش های غذایی بود، اندیشه ای که به باور او در مقابل اقتصاد سیاسی مبتنی بر عدم مداخله دولت قرار داشت. تفسیر تامپسون از اقتصاد اخلاقی، مخاطبانی مشتاق در میان پژوهشگران پسااستعماری یافت - اعضای «مکتب ساب آلترن» و دیگران - که آن را به حوزه مطالعه جوامع تحت سلطه امپریالیسم اروپایی کشیدند.

در سال ۱۹۷۶، جیمز سی. اسکات، انسان شناس و دانشمند علوم سیاسی با بهره گیری از مفهوم اقتصاد اخلاقی بیان کرد که «اخلاق معیشتی» دهقانان برمه ای و ویتنامی، مهر تأیید می زد بر مقاومتشان در برابر تلاش های استعماری برای سوق دادن آن ها به اقتصاد بازاری. بنابراین به لطف اسکات، دامنه معنایی اصطلاح «اقتصاد اخلاقی» گسترده تر شد تا حوزه ای به مراتب بیشتر از محدوده مجاز تانی و حتی پولانی را پوشش دهد.

چگونگی اخلاقی کردن سرمایه داری به مسأله محوری چشم اندازهای نظم نوین جهانی در میان روشنفکران، سیاست گذاران و منتقدان پسااستعماری بدل شد. این فهم بسط یافته از اقتصاد اخلاقی در عرض یک دهه از محافل دانشگاهی فراتر رفت، یعنی وقتی که خود اقتصاد جهانی برای همگان دسترس پذیر شد. بحران نفت و غلات باعث شد مسائل مطرح شده درباره کاستی های سرمایه داری فوریت یابند و یک گروه پسااستعماری بر سازمان ملل فشار آورد تا قطعنامه ای به تصویب برساند برای دعوت به «نظم نوین اقتصادی بین المللی» که اقتصاد جهانی را بازسازی خواهد کرد.

جنبش های مخالف جهانی سازی و سازمان های مردم نهاد از طریق بایکوت و کنشگری سهام داران بر شرکت های چندملیتی فشار آوردند تا گونه های اخلاقی تر سرمایه داری را در پیش بگیرند. برخی دیگر مدلی از «سرمایه داری انسان گرایانه» پیشنهاد کردند که از وسعت و قدرت جهانی شرکت های فراملیتی در راستای حمایت از حقوق بشر و ترویج ارزش های دموکراتیک استفاده می کند.

روشنفکران لیبرال کوشیدند تا اقتصاد اخلاقی را جهانی فرض کنند و توجه خود را از مفهوم کشور به کل جهان معطوف کردند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ اقتصاد اخلاقی کالا از حوزه علوم سیاسی خارج شده بود.

درکی که ما از اقتصاد اخلاقی به جامانده از دهه ۱۹۷۰ داریم این گونه حاصل شد و خود را در اصطلاحات جدید مسئولیت اجتماعی شرکتی و مصرف اخلاقی نشان داد: چشم اندازی که بیل گیتس به زودی قرار بود وارث آن شود، کسی که در آن زمان به تازگی دانشگاه هاروارد را ترک کرده بود و با میکرو کامپیوتر آلتیر ۸۸۰۰ ور می رفت.

این تعبیر از اقتصاد اخلاقی، در گفتگمانی جهانی پذیرفته شد که اهالی تجارت تدوین کرده بودند، نه مقامات دولتی. با این کار، پیوند اقتصاد اخلاقی از خاستگاه های رادیکالش گسست و بخشی از پروژه بشردوستانه ای شد که منطقی سودگرایانه اتخاذ کرده و آن را با اخلاق ناظر بر بازار درآمیخته است. در اینجا یادآوری یکی از مهم ترین نتیجه گیری های پولانی از کتاب روگان خالی از لطف نخواهد بود: اقتصادهای اخلاقی هرگز از همیاری خودجوش انسان ها پدید نمی آیند، بلکه به واسطه دولت شکل می گیرند. برای تعیین رابطه بین اخلاقیات و اقتصاد در اواخر دهه ۱۹۷۰، قوانین مهاجرت، مقررات و وضع مالیات لازم بود، همان طور که امروزه لازم است. به عبارت دیگر، نقد اخلاقی اقتصاد برخلاف خاستگاه های رادیکال خود، هرگز از قلمرو اخلاقیات فراتر نرفته است. هر اقتصاد سیاسی دارای اصول اخلاقی است اما برای بازسازی واقعی اخلاقیات بازار باید آن را از طریق نهادهای دولتی اصلاح کنیم. این کار مستلزم آن است که از قلمرو معنویات خارج شویم و بازگردیم به همان مسأله مادی بازتوزیع.

* استادیار تاریخ در دانشگاه اموری آمریکا
منبع: سایت ترجمان

از نظر تانی در مقام یک مسیحی، سوسیالیست صنفی و مورخ اقتصاد در مدرسه اقتصاد لندن، مقصر اصلی ماجرا اصلاحات پروتستانی بود. او در کتابش با عنوان دین و ظهور سرمایه داری (۱۹۲۶) این گونه استدلال می کند که اصلاحات پروتستانی، دین (و به تبع آن اخلاق) را به موضوعی خصوصی و سرمایه داری را به «دکترین نظم دهنده زندگی عمومی» بدل کرد. به باور تانی، جوامع دینی در قرون وسطی و پیش از ظهور سرمایه داری، مدلی بودند از امکان همیاری انسان ها که فراتر از بازار حاصل می شد.

زمانی که کارل پولانی اهل وین، کار نقد اقتصاد اخلاقی را شروع کرد، کاری که به اثر کلاسیکش دگرگونی بزرگ (۱۹۴۴) قدرت بخشید، می توانست به جای آن به تعریف مشکل سرمایه داری با توجه به فروپاشی اقتصاد جهانی در سال ۱۹۲۹ و متعاقب آن ظهور فاشیسم بپردازد. از دیدگاه پولانی، انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم بود که سه حوزه هسته ای از حیات بشری - زمین، کار و سرمایه - را تابع منطقی سودگرا کرده بود. او می گوید با ظهور اقتصاد بازاری لیبرال، عقلانیت اقتصادی، جایگاهی برتر از اصول اخلاقی و آزادی یافت.

در دهه ۱۹۶۰ ای. پی. تامپسون، مورخ اجتماعی با بازنگری در تبیین پولانی، از همان دگرگونی یک تحلیل تاریخی مجاب کننده تر ارائه کرد. تامپسون در کتاب تکوین طبقه کارگر در انگلستان (۱۹۶۳) با مطالعه انسجام و یکپارچگی های نظام سرمایه داری در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، دوباره موضوعی را مطرح کرد که برای اقتصاددانان اخلاقی قدیمی آشنا بود.

او در مقام مورخ بزرگ عاملیت، داستان رابطه اخلاق و اقتصاد در دوران انقلاب صنعتی را برای جوامع کارگران زمین های کشاورزی، صنعتگران و نساجان در لندن و یورکشایر بازگو می کند و با توجه به روستاییانی که بیرون از کارخانه ها کار می کنند نشان می دهد که سیاست عدم مداخله دولت در اقتصاد، علی رغم ظهور سرمایه داری به تخریب کامل اقتصاد اخلاقی و سستی آن ها نمی انجامد.



مکالمه با بیل گیتس

بسیاری از طرفداران سرمایه داری، این نظام را نه صرفاً مکانیزمی اقتصادی، بلکه نوعی اخلاقیات همه جایی می دانند که در تمام عرصه های زندگی باید به اجرا درآید اما این برداشت کل گرایانه از سرمایه داری، منتقدان سرسختی نیز داشته است که معتقدند حتی اگر نتوان از سرمایه داری به عنوان نظامی اقتصادی دست کشید، باید در اخلاقیات فردی و جمعی، راه دیگری در پیش گرفت. کتابی جدید به سه تن از بزرگ ترین چهره های این جنبش می پردازد: کارل پولانی، ای. پی. تامپسون و ریچارد تانی.

آیا سرمایه داری، غیر اخلاقی است؟ بیل گیتس، دومین مرد ثروتمند دنیا معتقد است لازم نیست چنین باشد. او در مصاحبه ای گفت پولدارها مسئولیت اخلاقی دارند با پول خود، کارهای مثبت انجام دهند. «پس از آن که به خودت و فرزندان رسیدی، بهترین راه استفاده از ثروت اضافی، پس دادن آن به جامعه است.» خود گیتس به این رویکرد پایبند است و میلیاردها دلار از سهام شرکت مایکروسافت را در سازمان بشردوستانه اش «بنیاد بیل و ملیندا گیتس» خرج کرده است. در وبسایت بنیاد، این شعار درج شده است: «ما خوشبینانی بی صبریم که برای کاهش نابرابری می کوشیم.»

گیتس در سال ۲۰۱۴ پس از خواندن کتاب توماس پیکتی با عنوان سرمایه در قرن بیست و یکم گفت قبول دارد که مشکل اصلی دوران ما نابرابری اقتصادی است اما «کتاب پیکتی چند اشکال مهم دارد».

بهترین ابزار برای از بین بردن نابرابری از دیدگاه گیتس، مصرف اخلاقی و بشردوستی است؛ نه روش مطلوب پیکتی یعنی مالیات جهانی. از نظر گیتس ما می توانیم در نهادهای خیریه، سرمایه گذاری کنیم، به همان روش که در کسب و کارهای دیگر سرمایه گذاری می کنیم: استفاده از ابزارهای مالی به منظور دستیابی به سودآوری حداکثری در فعالیت های اقتصادی بشردوستانه. عاشقان واژه تراشی، رویکرد گیتس را «سرمایه داری بشردوستانه» نام گذاری کرده اند اما می توانیم برای این مفهوم از اصطلاحی بسیار باسابقه تر استفاده کنیم: اقتصاد اخلاقی.

از تولد فلسفه بشردوستی در قرن هجدهم تا رشد و بالندگی آن در قرن نوزدهم، سرمایه داری بازار محور، الهام بخش ادعاهایی بزرگ بوده مبنی بر این که موفق ترین بازیگران سرمایه داری باید مدافع اخلاقیاتی جهان شمول باشند. طبق نظر جنجالی توماس هاسکل، مورخ آمریکایی، دست نامرئی بازار هم نوعی مکانیزم اقتصادی و هم شکلی از انضباط اجتماعی است. همچنین در نیمه دوم قرن نوزدهم، برخی کاپیتالیست های صنعتی مانند اندرو کارنگی، سلطان فولاد آن زمان، از ثروت خود در سرمایه گذاری های بشردوستانه استفاده می کردند. کارنگی در سال ۱۸۸۹ در مقاله ای با عنوان «انجیل ثروت» می نویسد: «میلیونها صرفاً امانت دار فقرا هستند.»

اما این نقد نرم و درونی سرمایه داری، تنها دیدگاه درباره اقتصاد اخلاقی نبوده است و نقدهای تندتر همیشه به معیارهای سودگرایانه و قییم مآب منتج نشده اند. کتاب اقتصاددانان اخلاقی، اثر تیم روگان در پی بازایی چنین راهکار جایگزینی است. روگان از ما می خواهد به یک سنت فراموش شده از تفکر رادیکال بیندیشیم که به افقی فراتر از آثار مادی سرمایه داری نظر داشت و بر جنبه های اخلاقی و معنوی حیات اقتصادیمان تأکید می کرد. او می گوید: «ما به خاطر نبود چنین جایگزینی از لحاظ فکری، فرهنگی و حتی سیاسی فقیرتریم.» در این کتاب از نوشته های سه استاد دانشگاه و روشنفکر - آرایچ تانی، کارل پولانی و ای. پی. تامپسون - برای بازسازی تاریخچه رویکردی استفاده شده است که به بیان روگان، می کوشید «هر چیزی را که علم اقتصاد از قلم انداخته» در بر بگیرد. تانی، پولانی و تامپسون، عضو جنبش آتلانتیک بودند که به تعبیر هوارد بریک، مورخ آمریکایی، به دنبال «فراتر رفتن از سرمایه داری» بود.

این گروه سه نفری روگان که در عصر تمامیت خواهی از جایگاهی دانشگاهی می نوشتند، در پاسخ های جمع گرایانه به مشکلات اجتماعی سرمایه داری احتیاط به خرج می دادند. آن ها همچنین منتقد راهکارهای لیبرالی بودند که بر فردگرایی تأکید می ورزند. آن ها می خواستند با زبانی متفاوت، تاریخ جوامعی را بازگو کنند که در آن ها اخلاق اجتماعی و فردی، تابع منطق بازار نبود. از نظر آن ها نابرابری و فقر، مشکل اقتصادی صرف نبوده اند، بلکه حاصل تحوولی عمیق تر در رابطه بین اخلاقیات و اقتصاد بوده اند، تحوولی که معنای انسان در نظام سرمایه داری را شکل داد.



بانک کارگشایی

خاطرات مرتبط به سکونت در محله جوادیه

در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷

اتفاق افتاده و همگی مبتنی بر واقعیت و مشاهدات میدانی است

سعید سعیدی

رواق منظر دلگشایش، آشیانه دیدگان ما شده بود و هر دم با افسون طرح و رنگ خود ما را به بوستان خالی از خزان دعوت می‌کرد و تا آنجا پیش رفت که در قامت یک گشایشگر مادی نیز برای خانواده نقش بازی کرد.

حداقل در دو مورد به دلیل تنگنای اقتصادی، آن را در گرو بانک کارگشایی گذاشتیم و از پرتو وام آن، مشکلاتی را از سر گذراندیم. از آن زمان به بعد بود که این فرش، وجودی مقدس بر ایمان پیدا کرده و دیگر نه در قالب زینت خانه، بلکه همچون باشنده‌ای ذی‌شعور در خانه ما دلبری کرده و می‌کند:

نه آن واخورده کالایم که روزی بی‌بها افتم

همان خورشید والا، اگر چه زیر پا افتم!

تأمین معاش و کسب رزق در میان ساکنان جوادیه، به لحاظ این که فاقد فن و سرمایه لازم بودند، بیشتر در به‌کارگیری نیروی بدنی خلاصه می‌شد. از این رو اندوخته‌ای که حاصل می‌آمد نزد آن‌ها از ارزش و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود و به سادگی آن را در معرض از بین رفتن و خرج‌های بیهوده قرار نمی‌دادند، زیرا با مایه گذاشتن از جسم و جان خویش بدان رسیده بودند:

روغنی بینی درون شیشه صاف و غافلی

تا چه بین سنگ‌ها بر دانه زیتون گذشت

همیشه سعی بر آن داشتند که پس از رفع نیازمندی‌های روزمره زندگی،

باقی‌مانده آن را به نحوی سرمایه‌گذاری کنند که به مرور زمان قدرتش کاهش نیابد. خردمندانه‌ترین خرید در آن دوران که هم جنبه کاربردی

داشت و هم در صورت لزوم به راحتی نقد شده و در جهت رفع گرفتاری از آن استفاده می‌شد خرید فرش دستباف و لوازم مسی بود.

در پی همین گونه خریدها بود که

نزدیکی‌های شب عید در صبح جمعه یک

روز سرد زمستانی در سال پر برف و باران

۱۳۵۰ و به هنگامی که پس از مدتی به

دلیل آب شدن برف‌ها مجالی یافته و بساط

فوتبال را در کوچه راه انداخته و درگیر و دار

یارکشی بودیم، پدرم سر رسید و با اظهار

این که باید برای حمل فرش به بازارچه

فلاح در خیابان آذری برویم، عیش آن روز

بازی را به کلی زائل کرد! در آن روز تلخی

بسیار نموده و با اخم و تخم همراه پدرم

شدم و حتی نقش و رنگ و طرح دلفریب

فرش ساروق هم گریه از ابروایم نگشود.

به هر روی فرش را با وانتی به منزل

آوردیم و آن را در اتاق بالایی خانه که مثلاً

اتاق پذیرایی بود پهن کردیم. به یکباره

اتاق جلوه‌ای از گلزار یافت؛ گلزاری پر از

لاله، شاخه‌ها و برگ‌های تنیده در هم با

پیچش‌ها و قوس‌های هوش‌ربا که گاهی

در جوار هم و گاهی جدای از هم و در نهایت

بر گرد گل مرکزی قالی به هم می‌رسیدند.

کف اتاق به گلزاری از نسرین و نسترن بدل

شد و آشکارا حس حیات و سرزندگی در آن

جریان گرفت و هر چه در او می‌نگریستی

خستگی به دیده راه نمی‌یافت.

این برای ما فوق‌العاده تازگی داشت،

زیرا در خانه‌ای که بیشتر وسایل آن

کاربرد بود و اثری از جلوه‌های چشم‌نواز

هنری در آن پیدا نمی‌شد، وجود این فرش،

بهجت و آرامش فرح‌انگیزی ایجاد کرد.



تحریف اقتصادی

علی اندیشه

رابطه دین با اقتصاد، به‌خصوص در ادیان توحیدی، ریشه‌دار و از ابتدا مطرح بوده است. بر اساس منطق فوق، نمی‌شود قرآن که بیش از سایر کتاب‌های مقدس ادیان، وارد متن زندگی سالم برای جوامع شده، وارد بحث اقتصاد نشده باشد، زیرا زندگی سالم که مورد نظر خداوند است بدون اقتصاد سالم، قابل تأمین نیست. پس ارتباط دین و اقتصاد، ارتباطی ملموس است که باید به سوی آن رفت و یافت و شناخت و لمسش کرد.

تاریخ ادیان توحیدی از جنگ و جدال‌ها و درگیری‌ها بین پیامبران و مخالفانشان خبر می‌دهد. پیروان آن بزرگواران غالباً پابره‌نه‌ها و محرومیت‌دیده‌ها بودند و سطح زندگی خود آن بزرگواران هم اغلب در سطح همان محرومان بود. طرف مقابل آن‌ها هم قدرتمندان و ثروتمندان و حاکمان و نجیبانی قرار داشتند که تاریخ، آن‌ها را با نام‌های طبقاتی‌شان معرفی می‌کند: طبقه دربار و درباریان، طبقه بزرگ مالکان، طبقه دیوانیان، طبقه نظامیان و طبقه موبدان که ظلم و ستم اقتصادی و غیراقتصادی درباره مردم روا داشتند و قرن‌ها به زندگی پر از رفاه خود ادامه دادند.

در این‌جا با مقوله تحریف، تغییر و تبدیل در متون و مفاهیم کتب آسمانی پیش از اسلام مواجه می‌شویم که قرآن، این اعمال شیطانی در ادیان گذشته را فراوان مورد اشاره قرار می‌دهد و درباره‌شان افشاگری می‌کند. این تحریفات و تبدیلات، غالباً در زمینه همین اقتصاد سالم صورت می‌گرفت، زیرا قدرتمندان و ثروتمندان، منافع خود را با آموزه‌های اقتصادی کتب آسمانی، در خطر یا از دست‌رفته می‌دیدند و آن جنگ و درگیری‌ها هم برای شکست دادن دینداران بود.

وقتی از این راه موفق نمی‌شدند، به حيله رو می‌آوردند و یکی از این حيله‌ها دستکاری در آیات و جملاتی بود که به ضررشان تمام می‌شد. این کار الزاماً به دست کسانی صورت می‌گرفت که با کتاب دینی زمان خودشان آشنایی داشتند و قرآن هم تحریفات مورد اشاره را به روحانیون هر دین منتسب می‌کند.

با این تحریفات، آیات و جملات اقتصادی در ترجمه‌ها و تفسیرها مسکوت می‌ماند و گم می‌شد و مفاهیم ساختگی جای آن را می‌گرفت. گاهی چنین احساس می‌شود که آیات و دستورات اقتصادی اسلام نیز مغفول مانده است.

با مثالی که خودم ساختم به یکی از این موارد اشاره می‌کنم: کسی خانه‌ای برای خود ساخته و مرحله رنگ‌آمیزی اتاق‌ها رسیده است. صاحبکار به استاد نقاش می‌گوید که این اتاق زرد رنگ شود ولی چون نقاش رنگ زرد ندارد به شاگردش می‌گوید صاحبخانه گفته که این اتاق آبی نشود. او هم اطاعت می‌کند و رنگی را که آماده دارد (مثلاً قرمز) می‌زند و اتاق قرمز می‌شود.

حرف صاحبخانه چه بود و رنگ اتاقش چه! خداوند هم چیزی خواسته و تحریف‌کنندگان چیز دیگری انجام داده‌اند و ظاهراً دروغی هم گفته نشده است. تحریف یعنی این!

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۶۳ (برابر با ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۵، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴) نقل شده است.

بازدید رئیس جمهوری از موسسه اطلاعات

حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای ریاست جمهوری کشورمان، پیش از ظهر امروز با حضور در موسسه اطلاعات و شرکت ایرناچاپ ضمن بازدید از بخش‌های مختلف موسسه، سیستم جدید حروفچینی کامپیوتر را افتتاح کرد. در بازدید رئیس جمهوری، حجت الاسلام دعائی نماینده امام و سرپرست موسسه اطلاعات و شرکت ایرناچاپ و آقای نیری مدیر مسئول ایشان را همراهی می‌کردند.

رئیس جمهوری ابتدا در تحریریه روزنامه «اطلاعات» حضور یافت و ضمن حضور در شورای سردبیری روزنامه با اعضای تحریری سرویس‌های مختلف روزنامه به گفتگو پرداخت. حجت الاسلام خامنه‌ای سپس به بازدید از قسمت‌های مختلف موسسه «اطلاعات» پرداخت. وی ابتدا از چاپخانه و قسمت حروفچینی «لاینو تایپ» روزنامه دیدن کرد و مورد استقبال کارگران قرار گرفت.

طولانی‌ترین ماجرای هواپیمای با عملیات ضربتی نیروهای ویژه ایران پایان یافت

نیروهای ویژه ایران در آخرین ساعت شب گذشته طی یک عملیات متهورانه و موفقیت‌آمیز هواپیمای ربوده شده ایرباس کوبیتی را از تصرف ۴ راینده عرب خارج ساختند، و به چند روز بحران و اضطراب در فرودگاه مهرآباد خاتمه دادند. این عملیات که به مدت ۲۰ دقیقه به طول انجامید خوشبختانه تلفات جانی به همراه نداشت و نیروهای ایرانی موفق شدند ۷ گروگان هواپیما را آزاد و ۴ هواپیما را دستگیر کنند. آخرین گزارش‌ها حاکی است که پروازهای فرودگاه مهرآباد دیروز در آغاز شروع بحران و اضطراب به مدت نیم ساعت متوقف شد. ربانندگان مواد منفجره را در زیر بال و کنار مخزن سوخت هواپیما قرار داده بودند.

* در جریان ماجرای هواپیمای ربوده شده کوبیتی، فقط ۲ نفر آمریکایی به قتل رسیده‌اند و ۲ نفر دیگری که قبلاً اعلام شده بود کشته شده‌اند تنها مجروح شده بودند.

وضعیت فرودگاه مهرآباد دیروز و دیشب کاملاً بحرانی و فوق‌العاده بود.

«فقرای» کتابادی مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال به قحطی ز دکان اتیوپی اهداء کرد

در ادامه کمک‌ها و ایثارگری‌های دولت و ملت مسلمان جمهوری اسلامی ایران به قحطی ز دکان و گرسنگان اتیوپی، «فقرای» کتابادی مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال وجه نقد طی چک بانکی توسط احمر جمهوری اسلامی ایران به قحطی ز دکان اتیوپی اهداء نمودند.

مردی که در لباس بسیجی مبارک به سرقت می‌کرد دستگیر شد

آبیک - خبرنگار اطلاعات: در بازرسی از منزل شخصی به نام رحیم که به اتهام سرقت موتورسیکلت و رادیو پخش اتومبیل توسط ماموران ژاندارمری هشتگرد در آبیک دستگیر شده است تعداد یک دستگاه موتورسیکلت ۷ دستگاه رادیو ضبط اتومبیل، ۲۰۰ عدد نوار مبتذل، دو عدد قمقمه ارتشی و مقداری ابزارآلات مسروقه کشف شد.

رحیم در بازجویی اعتراف کرد که از دو سال پیش با پوشیدن لباس بسیجی مبارک به سرقت و خرید و فروش موتورسیکلت و رادیو پخش اتومبیل می‌کرده است و وی همچنین چند نفر از افرادی را که اموال مسروقه به آنها فروخته بود و به ماموران معرفی کرد و با راهنمایی رحیم چند مالخرا دستگیر شدند.

قاب امروز



اصفهان - میدان نقش جهان - عکس: مرتضی امین الرعایایی

سرایه

با روی تو آفتاب صافی تیره است

با لعل لب شراب صافی تیره است

تاریکی آب صافی از سیل نبود

در جنب رخ تو آب صافی تیره است

اوحدی

پند بزرگان

عشق گوهریست گرانبها اگر با عفت

توأم باشد.

تولستوی

وقتی عشق در میان است، پای عقل

می‌لنگد.

مورس مترلینگ

امروز در تاریخ

شورش رستم روز افزون علیه شاه اسماعیل

«رستم روز افزون» از اهالی مازندران که علیه شاه اسماعیل صفوی بپاخاسته بود، دهم دسامبر سال ۱۵۰۹ میلادی بر همه مازندران استیلا یافت و ادعا کرد که از نسل ساسانیان است و حکومت بر ایران حق اوست. شاه اسماعیل برای وی اختطاریه فرستاد و رستم پس از دریافت این اختطاریه با شیبیک خان، رئیس ازبکان باب دوستی باز کرد. شاه اسماعیل سال بعد بر ازبکان پیروز شد پیش از آن که شاه اسماعیل رهسپار مازندران شود شنید که رستم در گذشته و یارانش آماده اعلام وفاداری هستند.

افشاشگری‌های تسخیر کنندگان سفارت آمریکا

افشاشگری گروهی که سفارت آمریکا در تهران را تصرف و بر اسناد سفارت دست یافته بودند از دسامبر ۱۹۷۹ آغاز شد که منجر به فرار، اخراج، بازداشت و اعدام افراد گردید. در نخستین افشاشگری که از تلویزیون پخش شد اعلام شد عباس امیرانتظام (معاون پیشین مهدی بازرگان و سخنگوی این دولت و بعداً سفیر ایران در سوئد) با دولت آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا رابطه داشته است. امیرانتظام دو روز پس از بازگشت به تهران بازداشت شد. و...

اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل تصویب شد

دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی، اعلامیه حقوق بشر در یک مقدمه و ۳۰ اصل به تصویب نهایی مجمع عمومی سازمان ملل رسید که باید از سوی اعضای این سازمان به عنوان یک استاندارد عمومی درباره هر فرد و هر گروه و جمعیت رعایت شود و در مدارس تدریس گردد تا در حافظه همگان باقی بماند.

پایان جنگ میان ایالات متحده اسپانیا

دهم دسامبر سال ۱۸۹۸ با امضای موافقتنامه پاریس بین ایالات متحده و اسپانیا به میانجیگری دولت فرانسه، جنگ دو کشور پایان یافت و اسپانیا طبق این موافقتنامه پس قرن‌ها از کوبا، فیلیپین، پورتوریکو و گوام مهاجرنشینان قدیمی خود صرف‌نظر کرد و آنها را به آمریکا داد.

www.iranianshistoryonthistoday.com

۲۹۸۷

سودوکو

۳	۸		۵					
۷				۲				
		۱		۹				۲
			۱				۷	
۶	۵		۲		۹		۴	۸
		۴			۶			
۹				۱		۴		
			۴				۷	۲
								۳

غلامحسین باغبان

طراح جدول

۲۹۸۶

پاسخ

۹	۶	۴	۷	۱	۸	۳	۲	۵
۳	۲	۵	۹	۶	۴	۷	۱	۸
۷	۱	۸	۳	۲	۵	۹	۶	۴
۴	۹	۶	۸	۵	۷	۱	۳	۲
۱	۷	۳	۴	۹	۲	۸	۵	۶
۸	۵	۲	۶	۳	۱	۴	۹	۷
۲	۴	۹	۱	۸	۶	۵	۷	۳
۶	۳	۷	۵	۴	۹	۲	۸	۱
۵	۸	۱	۲	۷	۳	۶	۴	۹

۶۵۰۰

شرح دومتن

کتابی از زول	متصدی قهوه	قاصد	سلیقه	دریاچه آفریقا	مهد کشتی
ورن	خانه	فراز و بلندی	شیرینی شاخه	جنس مذکر	فرنگی
پ					
بدون توقف			شالوده		
ض	حیات			نام مردانه	
مخالف	روان	رفتن به تنهایی		ریزان	
R		رهگذر			
شی		شرم و حیا			
آغاز		از داوران کشتی			
جمع بحر			اصطلاح		
دریاها			کشاورزی		
			م		
	ترسیده				
	مهریه زنان				
مکان					
سفید مایل					
به زرد					
		کلاه جنگی	سی		
تظاهر به	طالع و اقبال				
نیکوکاری	ناقچه بالا				
پ					
نام دخترانه					
جایگزین کبریت					

پاسخ ۶۴۹۹